

اوصاف اهل ذکر در خطبه ۲۲۲ نهج البلاغه

منیره خسروی چوپانکره^۱

چکیده:

مقام امام علی علیه السلام به عنوان مصدر و منبع ولایت و مقام نفسیت نبی اکرم (ص) در عرفان اسلامی دارای جایگاهی بلند و بی‌بدیل است و کلام آن حضرت یعنی نهج البلاغه هم از حکمت علوی سرچشمه می‌گیرد و خطبه‌های نهج البلاغه صورت کتبی آن امام همام است. به گفته کسانی که نهج البلاغه را شرح داده‌اند مبدا علم طریقت و حقیقت است و خطبه ۲۲۲ از این کتاب شریف دارای چند محور از جمله ذکر، الهامات الهی و عاقبت کار رهروان راه حق است.

لذا در این مقاله سعی داریم به روش کتابخانه‌ای اوصاف اهل ذکر را در این خطبه مورد بررسی قرار دهیم.

کلید واژه‌ها:

اوصاف، اهل، ذکر، نهج البلاغه

^۱. سطح دو، مرکز غیر حضوری حوزه خواهران قم،

مقدمه:

خطبه ۲۲۲ نهج البلاغه یکی از شاهکارهای ادبی و عرفانی امام علی علیه السلام است که در آن ایشان به توصیف اهل ذکر و صفات برجسته آن پرداخته‌اند.

اهل ذکر از آن دسته از عبادالله هستند که با یاد خدا دل‌های خود را روشن و زندگی خود را معنوی کرده‌اند.

آنها از دنیا به عنوان جایگزین یاد خدا استفاده کرده‌اند و هیچ تجارت و معامله‌ای آنها را از یاد خدا باز نداشته است. آنها با یاد خدا روزهای خود را سپری کرده‌اند و با نهی کننده‌ها از حرام‌های خدا در گوش بی‌خبران فریاد زده‌اند.

آنها به عدالت دستور داده‌اند و به آن عمل کرده‌اند و از منکر نهی کرده‌اند و از آن دوری کرده‌اند. آنها گویی دنیا را به آخرت پیوسته‌اند و در آن حالت آنچه را که پشت پرده است دیده‌اند، آنها گویی اسرار اهل برزخ را در طول اقامتشان در آن دیده‌اند و قیامت بر آنها وعده‌های خود را عملی کرده است. آنها پرده آنچه را که مردم نمی‌بینند و نمی‌شنوند را برای اهل دنیا برداشته‌اند.

شما آنها را چون پرچم‌های هدایت و چراغ‌های تاریکی دیده‌اید که فرشتگان آنها را احاطه کرده‌اند و سکینه الهی بر آنها نازل شده است و درهای آسمان بر آنها گشوده شده است و مقامات کرامت برای آنها آماده شده است .

این خطبه نشان می‌دهد که چگونه یاد خدا می‌تواند انسان را از غفلت و تبعیت از دنیا رها کند و به او بینش و شناخت عالم غیب ببخشد. اهل ذکر از آن دسته از انسان‌هایی هستند که با توجه به خداوند و اطاعت از او در دنیا به مقامات عالی از تقوا، توحید، معرفت، محبت، سخاوت، شجاعت، اخلاص ، صبر، شکر، کرامت و... رسیده‌اند.

گفتار اول : مفهوم شناسی

الف – مفهوم لغوی و اصطلاحی اوصاف

اوصاف : این کلمه جمع وصف است و نه جمع صفت، اما چون معنای این دو به هم نزدیک است از قدیم اوصاف را به گونه‌ای به کار برده‌اند که می‌توان آن را جمع صفت نیز به شمار آورد.^۱ « بزرگی را در محفلی می‌ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌نمودند».

امروزه نیز اوصاف به منزله جمع صفت به کار می‌رود و اشکالی ندارد.^۱

ب – مفهوم لغوی و اصطلاحی ذکر

ذکر یعنی یاد کردن خواه با زبان باشد یا با قلب یا با هر دو ، بعد از نسیان باشد، یا بعد از ادامه ذکر.^۲ به عبارت دیگر ذکر حالت روحی خاصی است که انسان در آن حال، دانسته خویش را مورد توجه قرار می‌دهد و گاهی به یادآوری چیزی با زبان گاهی به حضور چیزی در قلب گفته می‌شود.

در لغت : به گفته راغب در مفردات ذکر دو معنی دارد گاه به معنی حضور چیزی در ذهن (یادآوری) و گاه به معنی حضور چیز، حفظ و نگاهداری معارف و اعتقادات حق در درون جان است .^۳

ذکر در لغت به معنای این است که انسان چیزی را در خاطر خویش نگاه دارد و پیوسته به یاد آورد این کلمه به معنای حفظ کردن نیز آمده است.

^۱ . غلط ننویسیم ، چاپ نهم ، ۱۳۷۸ ، ص ۴۹

^۲ . قاموس قرآن ، جلد ۳ ، ص ۱۵

^۳ . المفردات فی غریب القرآن ، ص ۱۷۹

دهخدا گفته ذکر به معنای یاد کردن، گفتن، بیان کردن و به زبان جاری کردن است که مقابل صمت (سکوت) است.^۱

در اصطلاح: معنای اصطلاحی ذکر یاد کردن زبانی و قلبی خداوند به تکبیر، تسبیح، تحمید، تحلیل و حوقله است.

ذکر از اصطلاحات اسلامی است که بیشتر در مباحث اخلاقی مطرح است و پژوهشگران علوم دینی در دو عرصه اخلاق و عرفان بیشتر بدان پرداخته‌اند. ذکر اخلاقی، بر تهذیب نفس مبتنی است و ذکر عرفانی بر قرب خدا.^۲ برخی گفته‌اند ذکر خارج شدن انسان از غفلت و فراموشی یاد خدا به سبب گفتار و اعمال مخصوص است.

گفتار دوم : اوصافی که امام علی علیه السلام برای اهل ذکر معرفی کرده اند

امام علی (علیه السلام) در بخشی از خطبه ۲۲۲ نهج لبلاغه می فرماید: (یاد خدا اهلی دارد که آن را به جای [زرق و برق] دنیا برگزیده اند)؛ «وَإِنَّ لِلذِّكْرِ لَا هُلَاً أَخَذُوهُ مِنَ الدُّنْيَا بَدَلًا». اشاره به اینکه یاد خدا سبب می شود که فریفته مادیات زودگذر دنیا نشوند همان دنیایی که عشق به آن در احادیث اسلامی «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» و منشأ انواع گناهان شمرده شده است. البته مفهوم این سخن این نیست که آنها مانند راهبان دیرنشین و تارکان دنیا پشت پا به زندگی اجتماعی می زنند [به قرینه جمله هایی که بعد از آن می آید] بلکه منظور این است آنها اسیر چنگال دنیا نمی شوند.

در اینکه منظور از «ذکر» و «اهل» چیست؟ دو تفسیر عمده برای آن ذکر شده است: یکی خاص و دیگری عام، تفسیر خاص آن این است که منظور از ذکر پیامبر

^۱ . لغت نامه دهخدا ، ج ۷ ، ص ۱۰۲۲

^۲ . جامع السعادات ، ج ۳ ، ص ۳۶۵

اکرم(صلی الله علیه وآله) یا قرآن است و اهل ذکر، اهل بیت و امامان معصوم اند و صفاتی که بعد از این جمله درباره اهل ذکر آمده به طور کامل بر آنها منطبق می شود. مفهوم عام آن همه عالمان با تقوا و مؤمنان کامل را شامل می شود و صفاتی که بعد از آن است نیز بر آنها منطبق است. البته هیچ مانعی در جمع میان این دو معنا نیست، مفهوم جمله عام است و اهل بیت(علیهم السلام)، مصداقهای بارز و چهره های درخشان آن هستند.

آنگاه امام(علیه السلام) در ادامه این سخن آثار ذکر الله را در وجود این گروه در ضمن اوصافی بیان می کند و می فرماید: (لذا هیچ تجارت و داد و ستدی آنها را از یاد خدا باز نداشته است)؛ «فَلَمْ تَشْغَلْهُمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَبِيعُ عَنْهُ». نه اینکه آنها تجارت و بیعی ندارند و از فعالیت اقتصادی بیگانه و سربار اجتماع اند، بلکه آنها گامهای مؤثری در این وادی بر می دارند، ولی چنان نیست که این فعالیتهای اقتصادی آنها را از یاد خدا غافل سازد و در مسیر دنیاپرستی قدم زنند. در ادامه این سخن به بقیه صفات آنها اشاره کرده می فرماید: (با یاد خدا تمام دوران زندگی خود را سپری می کنند و با فریادهای بازدارنده در گوش غافلان آنها را به [کیفر] محرمات الهی توجه می دهند، و به عدالت و معروف دعوت می کنند و خود عامل به آن هستند، و مردم را از منکرات باز می دارند و خود گرد آن نمی گردند)؛ «يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ، وَ يَهْتَفُونَ (۱) بِالزَّوْاجِرِ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ فِي أَسْمَاعِ الْغَافِلِينَ، وَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ وَ يَأْتَمِرُونَ بِهِ، وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يَتَنَاهَوْنَ عَنْهُ».

جمله «يَقْطَعُونَ بِهِ أَيَّامَ الْحَيَاةِ» اشاره به این است که برنامه یاد خدا و آثار پربرکتش مربوط به یک روز و چند روز عمر آنها نیست، بلکه سراسر ایام حیاتشان را از جوانی گرفته تا بزرگسالی و پیری همه را شامل می شود. جمله های بعد از آن اشاره به این است که آنها هرگز خود را از مسئولیتهای اجتماعی؛ مانند گوشه گیران و چله نشینان

کنار نمی کشند، بلکه در میدان ارشاد جاهل و تنبیه غافل و امر به معروف و نهی از منکر کاملاً فعال اند و با توجه به اینکه جمله به صورت فعل مضارع آمده و فعل مضارع دلالت بر استمرار دارد نشان می دهد که این برنامه، برنامه همیشگی آنان است.

شایان توجه اینکه امام در اینجا می فرماید: «آنها هم خود عامل به معروف اند و هم دعوت کننده به آن، و هم خود تارک منکرند و هم ناهی از آن»، همان گونه که امام (علیه السلام) در خطبه ۱۷۵ می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي، وَاللَّهِ، مَا أَحْكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَنْهَأُكُمْ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَ أَتَنَاهَى قَبْلَكُمْ عَنْهَا!»؛ (ای مردم! به خدا سوگند من شما را به کار نیکی دعوت نمی کنم مگر اینکه پیش از شما به آن عمل می کنم و از منکری باز نمی دارم مگر اینکه خودم قبلاً از آن چشم می پوشم). سپس امام (علیه السلام) در ادامه این سخن، به شرح بیشتری درباره حالات این مردان الهی و اهل ذکر پرداخته، می فرماید: (آبا اینکه در دنیا هستند) گویی آن را رها کرده و به آخرت پیوسته اند و در آن قرار دارند، و به همین سبب ماورای دنیا را مشاهده کرده اند؛ «فَكَأَنَّمَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَ هُمْ فِيهَا، فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ».

آری! آنها با چشم حقیقت بین و نافذشان از این جهان، عالم پس از مرگ و برزخ و قیامت را می بینند و سرنوشت نیکوکاران و تبهکاران را مشاهده می کنند.

سپس در توضیح این سخن می افزاید: (گویی از پشت دیواره این دنیا سر بر آورده و به برزخیان و اقامت طولانی آنها در آنجا می نگرند) او از آن برتر قیامت را با چشم دل می بیند و مشاهده می کنند که رستاخیز وعده های خود را برای آنها عملی ساخته است؛ «فَكَأَنَّمَا أَطْلَعُوا غُيُوبَ أَهْلِ الْبَرْزَخِ فِي طَوْلِ الْأَقَامَةِ فِيهِ، وَ حَقَّقَتِ الْقِيَامَةُ عَلَيْهِمْ عِدَاتِهَا». آنگاه نتیجه این مکاشفه روحانی را بیان کرده، می فرماید: (از این رو این پرده ها را برای اهل دنیا کنار زده) او حقایق عالم برزخ و قیامت را برای آنها شرح

می دهند] گویی آنها با چشم خود چیزهایی را می بینند که مردم نمی بینند و مطالبی را می شنوند که دیگران نمی شنوند؛ «فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا، حَتَّى كَانَهُمْ يَرَوْنَ مَا لَا يَرَى النَّاسُ، وَ يَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ».

چرا مردم عادی دنیا از درک احوال برزخ و آخرت ناتوانند و مردم الهی اهل ذکر هر دو را مشاهده می کنند، بلکه خود را در آن می بینند؟ برای این است که روح دنیاپرستان به دنیا تعلق دارد و حجابی در میان آنها و عوالم دیگر افکنده، اما پاکدلان اهل ذکر که خود را از این تعلقات رهایی بخشیده اند و با ادامه ذکر و عبادتهای خالصانه روح را صیقل داده اند، پرده ها از جلوی چشمانشان کنار رفته و صورت حقایق عالم برزخ و قیامت در آن نقش بسته است. اینها حاملان پیامهای الهی از آن جهان به این جهان اند. پیامهایی که سبب بیداری غافلان و بینایی کوردلان می شود.^۱

گفتار سوم : آثار و فواید ذکر

۱-۳ همنشینی با خدا

کسی که همواره به یاد خدا باشد خداوند جلیس او خواهد بود به طوری که در حدیث قدسی به موسی علیه السلام فرمود: ای موسی کسی که مرا یاد کند من همنشین او خواهم بود. موسی علیه السلام سوال کرد: روزی که هیچ پناهی نیست جز پناه تو، چه کسی در پناه تو خواهد بود؟ خداوند فرمود: کسانی که با یاد من بودند و من نیز آنها را به یاد خواهم داشت، و کسانی که با هم دوستی می کنند، در راه من، پس دوست دارم آنها را.

^۱ . پیام امیرالمومنین ، ج ۸ ، ص ۳۵۴

این دسته از افراد جز کسانی هستند که زمانی که بلایی نازل شود به یاد آنها خواهیم افتاد و بدی و بلا را دفع می‌کنم.^۱

۲-۳ غذای روح

امام علی علیه السلام در مورد آثار و فواید ذکر گفتن فرموده‌اند: «مداومت بر ذکر الهی غذای روح و کلید رستگاری است».

با توجه به آثار و فواید ذکر گفتن و اهمیت ذکر الهی و نقش سازنده آن در پیشرفت معنوی انسان‌های مومن، خداوند مومنان را از توجه و انجام کارهایی که از یاد رفتن یاد خدا می‌شوند نهی می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا

أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مال و فرزندان‌تان باعث دوری از یاد خداوند نشود و هر کس چنین کند از زیانکاران است.^۲

بدیهی است، توجه به مال و زندگی دنیوی، در صورتی نهی شده است که انسان را از یاد خدا باز دارد و به عبارت دیگر، هدف انسان در زندگی توجه به آنها باشد، ولی در صورتی که انسان مراقب نفس خویش باشد و از این‌ها به عنوان وسیله برای رسیدن به سعادت ابدی استفاده کند، نه تنها مضموم نیست، بلکه سفارش هم شده است.

پس اموال و اولاد تا آنجایی از مواهب الهی هستند و مطلوب می‌باشند که در راه خدا و برای نیل به حیات طیبه باشند، اما اگر علاقه افراطی به آنها سدی در میان انسان

^۱ . چهل حدیث ، حدیث ۱۸ ، ص ۲۸۷

^۲ . منافقون / ۹

و خدا ایجاد کند، بزرگتر بلا محسوب می‌شود و خسرانی بزرگ است که در آیه شریفه فوق به همین معنا اشاره شده است.^۱

۳-۳- تقید به اطاعت از خدا

وقتی کسی به آن مقام رسیده باشد که درون جمال احدیت را مشاهده کند و خودش را در محضر او ببیند، بدون شک از دستورش پیروی خواهد کرد و ممکن نیست انسان به مقام شهود و انس رسیده باشد ولی نسبت به عوامل و نواحی خداوند متعال تقید و تعهد کامل نداشته باشد. امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «ذکر بدین معناست که وقتی با چیزی مواجه می‌شوی که خدای تعالی به آن امر کرده آن را انجام دهی و اگر نهی کرده بپرهیزی».^۲

گفتار چهارم: موانع ذکر

بر اساس آموزه‌های دینی گاه به دلیل رفتارهای نادرست انسان موانعی در راه ذکر خدا در برابر انسان قرار می‌گیرد که از جمله می‌توان به ایجاد غفلت توسط خدا بر قلوب کافران، پیروی از شیطان، دوست گمراه کننده، تفاخر، اموال و اولاد، خودپرستی، آرزوهای طولانی و پیروی از هوای نفس اشاره کرد.

۴-۱- خودپرستی:

با توجه به آیه ۱۲ سوره اعراف «أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» یکی

از مهمترین موانع ذکر خدا را خودپرستی، تکبر و نخوت (خودبینی) معرفی کرده‌اند.^۳

^۱ . تفسیر المیزان ، ج ۹ ، ص ۲۹۱

^۲ . بحار الانوار ، ج ۹۳ ، ص ۱۵۵

^۳ . ذکر مجمع جهانی صادقیین

۲-۴- ایجاد غفلت توسط خداوند بر قلوب کافران :

گاه خداوند برای مجازات کسانی که با حق درافتاده اند غفلت را بر قلب‌های آنان مسلط می‌کند تا یاد و ذکر خداوند را فراموش کنند و دچار عواقب رویگردانی از ذکر خدا گردند.^۱

۴-۳- اموال و اولاد:

بر اساس آیه ۹ سوره منافقون اگرچه اموال و املاک از مواهب الهی محسوب می‌گردد ولی گاهی علاقه زیاد، سرگرمی و دل مشغولی به آنان باعث غفلت از یاد و ذکر خدا و نماز خواهد شد.^۲

۴-۴- پیروی از شیطان:

بر اساس آیات متعددی از جمله آیه ۹۱ سوره مائده شیطان به عنوان دشمن قسم خورده انسان با ابزارهای مختلفی از جمله ایجاد دشمن و کینه میان آدمیان رواج شراب و قمار انسان را از یاد خدا باز می‌دارد.

۴-۵- دوستان گمراه:

بر اساس صریح آیه ۲۹ سوره نجم خداوند پیامبرش را از همنشینی کسانی که انسان را از یاد خداوند و قرآن باز می‌دارند پرهیز می‌دهد.^۳

۱. المیزان، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۳، ص ۳۰۳

۲. مجمع البیان، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۴۴۵

۳. المیزان، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۹، ص ۴۱

نتیجه گیری:

با توجه به خطبه ۲۲۲ نهج البلاغه و همچنین آیات و روایات بسیاری که وجود دارد به این نتیجه می‌رسیم که اهل ذکر انسان‌هایی هستید که همه‌ی زندگی دنیا و آخرت خود را بر مبنای رضای خدا بنا نهاده‌اند.

اهل ذکر دارای خصوصیتی هستند که آنها را متمایز میکند.

آنها به آنچه خداوند به آن امر کرده عمل میکنند و آنچه که خداوند از آن نهی کرده پرهیز میکنند بدون در نظر گرفتن منفعت خودشان.

و از عواملی که آنها را از ذکر و یاد خدا دور میکنند دوری میکنند.

منابع :

قرآن کریم

نهج البلاغه

قریشی ، علی اکبر ، قاموس قرآن ، ج ۳ ، ص ۱۵ ، به نقل از مفردات قرآن ، اسلامیة

راغب اصفهانی ، حسین بن محمد ، المفردات فی غریب القرآن ، ص ۱۷۹

نراقی ، محمد مهدی ، جامع السعادات ، ج ۳ ، ص ۳۶۵

دهخدا ، علی اکبر ، لغت نامه ، ج ۷ ، ص ۱۰۱۲۲ ، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ، ۱۳۷۲ ش ، چاپ اول

مکارم شیرازی ، ناصر ، پیام امیرالمومنین ، جمعی از فضلا دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، ۱۳۸۶ ش ، چاپ اول ، ج ۸ ، ص ۳۵۴

ابوالحسن ، نجفی ، غلط ننویسیم ، چاپ نهم ، ۱۳۷۸ ش ، ص ۴۹

امام خمینی ، روح الله ، چهل حدیث ، حدیث ۱۸ ، ص ۲۸۷

محمد حسین ، طباطبائی ، تفسیرالمیزان ، ج ۹ ، ص ۲۹۱

مجلسی ، محمدباقر ، بحارالانوار ، ج ۹۳ ، ص ۱۵۵

طبرسی ، مجمع البیان ، ۱۳۷۲ ش ، ج ۱۰ ، ص ۴۴۵